

اقلام خارج از ترازنامه

ترجمه فیروزه خلعتبری

یکی از موضوعهای داغ مورد بحث محافل بانکی بین‌المللی در ماههای اخیر مسأله‌ی اقلام خارج از ترازنامه‌ی بانکها بوده است. این اقلام که در ایران اصطلاحاً با عنوان داراییها و بدهیهای انتظامی خوانده میشوند، در ظاهر قطعیت ندارند و فقط وعده‌ای از طرف بانک هستند که میتوانند در صورت به تحقق پیوستن در قالب کلی داراییها و بدهیهای بانک گنجانیده شوند. با این وصف، صرف وجود آنها حاکی از پذیرای خطر شدن از طرف بانکها است، و هرگونه اختلالی در بازارهای بین‌المللی میتواند تا شیری برای این اقلام داشته باشد که انعکاس آن در ترازنامه، به سلامت بانک خدشه وارد می‌آورد و حتی بانک را به ورشکستگی می‌کشانند. گفته می‌شود که معیارهای متعارف کفایت سرمایه که نسبت سرمایه به دارایی را براساس اقلام مندرج در ترازنامه محاسبه می‌کنند و درجه‌ی سلامت شبکه‌ی بانکی را در مقابل دید سرمایه‌گذاران و سهامداران بانک قرار می‌دهد، در چنین حالتی نمیتواند گویای میزان واقعی خطری باشد که بانک پذیرا شده است. در نتیجه، سهامداران تصویری نادرست را می‌پذیرند و این امر به سلامت کلی نظام بانکی زیان می‌رساند.

مسئول تجزیه و تحلیل وضع بانک به وضوح نگران دیده می‌شد.

اوبه گزارشگرگفت: " شما باید در مورد این داستان با احتیاط رفتار کنید. این موضوعی حساس است. جمع کثیری از مشتریان بانک از ما جراخبرند و این عده می‌توانند واکنشی بیش از حد شدید از خود نشان دهند". این موضوع حساس، تعهدات روبه رشد خارج از ترانزنا مهی بزرگ‌ترین بانکهای آمریکایی، و آن واکنش بیش از حد شدید و نگران کننده، بحران تامین منابع به دنبال نگرانی شدید سرمایه گذاران است.

ا قلام خارج از ترانزنا مهی با نکها که زمانی رقم آن ناچیز بود فقط به ضامن تن ماهای مربوط به حسن انجام طرحها محدود می‌شد، اکنون به رقم سرسام آور ۱/۵ تریلیون دلار در مورد ۲۵ بانک بزرگ آمریکایی می‌رسد. این ا قلام نشان دهنده‌ی درجه‌ی آسیب پذیری در بازارهای پیچیده‌ی جدید است. مثلا، می‌توان به ضمانت نامه‌های مربوط به حسن انجام کار، اوراق قرضه‌ی شهرداریها، اسناد تجاری، معاوضه‌های نرخ بهره و ارز، تسهیلات انتشار اسناد بدهکاری (نیف)^۱، حق انتخاب، معاملات سلف، و هر چیز دیگر از طلا تا اسناد خزانه اشاره کرد.

ا قلام انتظامی، برخلاف وامها که قطعیت دارند، فقط وعده‌ی هستند که در بیشتر موارد با نکها فرض می‌کنند دلیلی برای وفای به آن ندارند. این تعهدات، برخلاف وامها، نیازی به تامین منابع ندارند. و در شرط کفایت سرمایه نیز وارد نمی‌شوند. علاوه بر آن، در هیچ نقطه از ترانزنا مهی با نکها اشاره‌ای به ا قلام اخیر نمی‌گردد. به این ترتیب، ا قلام خارج از ترانزنا مه عملی از دید تحلیل گران و سرمایه گذاران نامرئی باقی می‌ماند، با زرسان که دیگر جای خود دارند. یکی از با زرسان بانسک که به شدت از این وضع ناراحت شده بود گفت: "شناخت درجه‌ی آسیب پذیری بانک با نگرستن بر ا قلام ترانزنا مه هر روز مشکل تر می‌شود. بسیاری از حسابداران با نکها حتی از درجه‌ی آسیب پذیری بانکهای خود آگاهی ندارند".

رشد حیرت انگیز ا قلام خارج از ترانزنا مه در سالهای جدید،



زنگهای خطر را به صدا درآورده است. رقم ۱/۵ تریلیون دلار متجاوز از ۳۰ درصد از رقم مشابه سپتامبر ۱۹۸۳ بیشتر است. ضمانتنامه‌های حسن انجام کار از رقم ۱۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۶ به ۱۵۵ میلیارد دلار در اواسط سال ۱۹۸۵ افزایش یافته است. مشکل این است که رشد اقلام خارج از ترانزا مه در مواردی بسیار سریع‌تر بوده که اندازه‌گیری درجه‌ی خطر به مراتب دشوارتر است. به عنوان مثال، معاوضه‌ی نرخ بهره از رقم صفر در چهار سال پیش به ۱۸۰ میلیارد دلار در حال حاضر ترقی کرده، در حالی که نیف نسبت به پایان سال ۱۹۸۳، معادل ۸۰۰ درصد افزایش یافته است.

بسیاری از بانکها از دیدن نظری مقادیری به مراتب بیش از کل دارایی خود را از طریق این معاملات به وثیقه گذاشته‌اند. به عنوان مثال بر اساس ارقام ژوان ۱۹۸۵، بانک تراست تقریباً ۳۰۰ درصد داراییهایش، بدهیهای انتظامی و تعهدات داشت. رقم مشابه برای سیتی بانک ۲۳۰ درصد، برای بانک کمیکال ۲۰۱ درصد، و برای بانک مورگان گارانتی ۱۶۸ درصد بود. به سادگی می‌توان دید که چرا بانکها مشتاقانه پذیرای این شبه بدهیها شده‌اند: آنها به شدت به درآمدهای دنیا زمندند و از این راه می‌توانند به درآمد برسند، و به هر حال سرمایه‌ی پر قیمت خود را نیز به این قبیل معاملات وابسته نمی‌بینند. همزمان با آن، بانکها فعالیت‌های معاملاتی خود را نیز افزایش داده‌اند و بر دخالت خود در بازارها و معاملات سلف شدت بخشیده‌اند.

طنز ماجرا در این است که بسیاری از اقلام انتظامی - مثل ضمانتنامه‌ها، معاملات سلف، و حق انتخاب - برای کاهش، پراکنده ساختن، و تا مین در برابر انواع خطر طراحی شده‌اند. اما، بسیاری از ناظران ادعا می‌کنند که درست عکس این وضع می‌تواند رخ دهد. یکی از دست‌اندرکاران در این مورد می‌گوید "اگر بحث بر سر این است که با پراکنده کردن خطر، از کل مقدار آن کاسته می‌شود، در این صورت باید موردوا مه‌ای سندیکایی اعطایی به کشورهای جهان سوم را به یاد آورد". البته، نگرانی



اصلی از آن جا ناشی می‌شود که در صورتی که این اقلام خارج از ترانزنا مه به درستی اداره نشود، می‌تواند به کمبود ناگهانی در نقدینگی بینجامد یا زیانی نا منتظر را به بار آورد. تایید ضمنی دست اندرکاران بانکی از این که مدیران در اغلب موارد و در مقایسه با اقلام مندرج در ترانزنا مه، از اقلام خارج از ترانزنا مه غفلت می‌کنند، برنگرانی عمومی دامن می‌زند. برای این اساس جای تعجب نیست که پل ولکر (Paul Volcker) رییس بانک فدرال ررزو در نشست اکتبر انجمن بانکداران آمریکا این پرسش را مطرح می‌کند که "آیا توجه صرف به نسبت سرمایه به دارایی سبب شده است که اقلام خارج از ترانزنا مه از چشم دور بمانند و توجهی به آن اقلام نشود؟" و باز هم جای تعجب نیست که فدرال ررزو بخواهد به ترتیبی این اقلام را در معیار کفایت سرمایه‌ی بانکها برای عملیاتی که انجام می‌دهند، بگنجانند.

به راستی چه مقدار خطر با این عملیات خارج از ترانزنا مه همراه می‌شود؟ آیا به راستی بحران حاصل از وجود اقلام کلان خارج از ترانزنا مه‌ی بانکها می‌تواند وضعی را به وجود آورد که مشابه بحران بدهیهای جهان سوم جدی باشد؟ آیا خطر این اقلام با خطرو امده‌ی به روال عادی بانکها تفاوت دارد؟ آیا مدیریت بانک به وجود چنین تفاوتی واقف است؟

بخش اعظم نگرانها از صرف نبودن پاره‌ای از عملیات خارج از ترانزنا مه ناشی می‌شود. اما، ورای این نبودن عملیات مورد بحث با زیگران بازارهای پولی بین المللی را به مراتب بیش از گذشته متعهد می‌سازد. به عنوان مثال، در بازار ۲۸۹ میلیارد دلاری اوراق تجاری، در ایالات متحد، بانکهای داخلی و خارجی تضمین اصل و بهره‌ی رقمی حدود ۲۰ میلیارد دلار را پذیرفته‌اند. با در نظر گرفتن اعتبارات هنگفتی که در حمایت از انتشار این اوراق پرداخت شده، سهم بانکها در حفظ بازار اوراق تجاری به مراتب حیاتی‌تر از میزانی است که بانکها تصور می‌کنند. در بازار اوراق قرضه‌ی شهرداریها نیز حدود ۴۲



میلیارد دلار اسناد منتشره پس از سال ۱۹۸۴ به تضمین بانکها است و در صورت کمبود نقدینگی بانکها باید قدم پیش گذارند و اوراق را طبق تعهد خود با ز خرید نمایند.

نتیجه‌ی جدی همبستگی اخیر این است که هرتکانی می‌تواند به سادگی در سایر بازارها منعکس گردد و به این ترتیب شناسایی دامنه‌ی کامل خطر در صورت بروز حادثه‌ای ناخواسته به هیچ وجه ممکن نیست.

شروع مسأله چه گونه می‌تواند باشد؟ در این مورد برخی از ناظران هشدار می‌دهند که شروع دور باطل می‌تواند بسیار ساده باشد. مثلاً با لافتن شدید نرخ بهره در کوتاه مدت، قرارداد دشکنی یکی از شرکتها یا وام گیرندگان عمده در بازار، یا حتی حدس نادرست درباره‌ی روند نوسانات بازار می‌تواند چنین وضعی را به بار آورد. به گفته‌ی یکی از اقتصاددانان برادران سالمون (Salomon Brothers) "مشکل از این جانشی می‌شود که به درستی نمی‌دانیم ساخت پرتلاطم و پویای اعتباری، حدیرونی خطرا عطای اعتبار چه قدر است. ما ما هیت خطر را نیز به درستی نمی‌شناسیم و نمی‌توانیم با قاطعیت بگوییم هر سال زمانی چه میزان اعتبار اسنادی استفاده نشده یا یداشته باشد یا آن که یک سازمان تا چه حد می‌تواند از تضمین استفاده کند. در هیچ یک از این موارد قاعده‌ای معین و سر راست وجود ندارد." هر قدر که این وضعیتهای اجتماعی زخمی عمیق بر بازار باقی بگذارد، باز هم تمام دست اندرکاران در بازار ا قلام خارج از ترانزنا مه‌ی بانکها را به صورت یک نمب ساعتی نمی‌بینند، جمععی برای عقیده اند که برای فعال شدن این رقم در جهت برهم زدن توازن با یدیک بحران مالی عمده به وقوع پیوند که در آن صورت با نکها در مورد ا قلام مندرج در ترانزنا مه‌ی خود هم با مشکلاتی مواحه خواهند شد. در مجموع حدس زدن در مورد رفتار بانک مرکزی در یک حالت خاص مشکل نیست. مسأله زمانی غامض می‌شود که گرفتاری به یک یا دو بانک ختم نشود. رییس سابق سیتی بانک در این مورد می‌گوید که در نظر گرفتن حجم معاملات خارج از ترانزنا مه گمراه



کننده است ، زیرا حجم با خطر نسبت مستقیم ندارد . میزان خطر را فقط می توان با مطالعه ی قضاوت بازاریارستجید ، اما آیا بازار به راستی می تواند در این مورد قضاوت درستی داشته باشد ؟

از سپتامبر ۱۹۸۳ ازبانه های آمریکا بی خواسته شده که در گزارشهای فصلی خود که برای بازارسان ناظر بر امور بانکهها ارسال می دارند ، جزئیات اقلام خارج ازترازنامه نیز درج گردد (جدول پیوست) ، اما ارقامی که در جدول مربوط داده می شود به هیچ وجه منعکس کننده ی میزان خطری نیست که بانکهها با آن مواجه هستند . عیب کار در این است که نوع وثیقه های که در مقابل این شبهه دارایی دریافت می شود در گزارش درج نمی گردد . توزیع سررسید و پراکنندگی اقلام در مورد هر بانک نیز مشخص نمی شود . بانکه های اروپایی این اقلام را اصولا گزارش نمی کنند ، ولی ازیک نظر ازبانه های آمریکایی جلوترند : ضمانت نامه ها و پاره ای از تعهدات معاملاتی آنها باید به پشتوانه ی سرمایه ی بانک باشد .

هیچ کس مدعی نیست که اقلام خارج ازترازنامه پرخطرتر هستند . درحقیقت اگر این اقلام به درستی اداره شوند ، خطری به مراتب کمتر از اقلام مندرج درترازنامه خواهند داشت . بسا وجود این تفاوت های مهمی بین این دو گروه وجود دارد .

اگر قیمت اقلامی مانند معاضه ، نیف و ضمانت نامه ی حسن انجام کار بیشتر بود ، تعداد کسانی که مایل به پذیرش خطر این قبیل معاملات توسط بانک بودند ، به مراتب بیشتر می شد . اما ، بررسیهای تحلیلگران بازار نشان می دهد که بانکهها در مورد اقلام خارج ازترازنامه بهای خطری را که متقبل می شوند ، دریافت نمی دارند . شدت رقابت در فعالیت های شبه بانکی کارمزد بانکهها را گاهی به ارقامی مانند ۵/۲۵ درصد در مورد ضمانت نامه ی حسن انجام کار و $\frac{1}{16}$ درصد در مورد معاضه می رساند . درحقیقت ، مادام که حداقلی برای قیمت این قبیل معاملات تعیین نشود ، رقابت می تواند قیمت آنها را به شدت کاهش دهد .

با وجود این ، تعدادی ازبانکهها هنوز با روشهای اندازه گیری



درجه‌ی آسیب‌پذیری در مقابل خطر با زی می‌کنند و ما یلند چنان در آمدی داشته باشند که بتوانند خطر پذیری خود را توجیه نمایند.

ضمانتنامه‌ی حسن انجام کار

امروز حدود ۶ درصد از ضمانتنامه‌های حسن انجام کار، تضمین‌هایی مالی است که بر اساس آن بانک با دریافت کارمزد تعهدات مالی و ام‌گیرنده را به طرف ثالث تضمین می‌کند. در نگاه اول، احتمال زیان کلان از محل این نوع ضمانتنامه‌ها بسیار کم است. بیشتر بانک‌های خوب برای هر یک از مشتریان خود حد تضمین تعیین می‌کنند. اغلب بانک‌ها فعالیت خود را در این زمینه کاهش داده‌اند، زیرا خود این بانک‌ها از لحاظ ارزیابی وضع در بازار در رده‌ی AAA^۱ قرار نمی‌گیرند. دلایل دیگری نیز برای کاهش فعالیت بانک‌ها در این زمینه وجود دارد.

با این وصف، بانک‌ها برای نکته وحدت نظر دارند که ضمانتنامه‌های حسن انجام کار جزو پرخطرترین اقلام شبه بانکی است، زیرا تعهد بانک‌ها در این مورد برگشتنا پذیر است و هر زمان که وام‌گیرنده با مشکلی روبه‌رو گردد، ضمانتنامه‌ها به اجرا گذاشته می‌شود. به گفته‌ی حسابدار یکی از بانک‌ها، "هر زمان که ضمانتنامه‌ای به اجرا گذاشته شود، بانک احتمالاً یک وام مشکوک الوصول به فهرست وام‌های پرداختی خود خواهد افزود". خطر ضمانتنامه‌ها خطرناکی از وضع بازار است نه خطر ناشی از وضع وام‌گیرنده.

با وجود این، بانک‌ها فقط خطرهای اعتباری را مدنظر قرار می‌دهند. بانک‌ها این تسهیلات را در اختیار مشتریان قرار نمی‌دهند که از لحاظ اعتباری مورد تایید نیستند، و چنان به نظر می‌رسد

۱- از لحاظ درجه‌ی اعتباری در بازار AAA یعنی معتبرترین گروه. هر اندازه درجه‌ی اعتبار پایین‌تر باشد، سازمان از کسب اعتبار در موقعیت بدتر قرار می‌گیرد. - م.



که گویی خود را با این عمل از کلیه ی ضربات های با زار مصون می بینند. در هر حال وضعیت اعتباری مشتری همیشه در تعیین قیمت این خدمت اثر می گذارد.

بررسی زیان ضمانت نامه ها نشان می دهد که بر اساس سوابق فقط ۲ درصد از ضمانت نامه ها به اجرا گذاشته شده است، و احتمال متوسط ضرر در حد ۰۳/۰۵ درصد قرار دارد. حال آن که به عنوان مثال در مورد وامها احتمال سوخت شدن در سال ۱۹۸۴ معادل ۷۷/۰ درصد بود. نکته ای که بررسی اخیرنا دیده می گیرد، افزایش شایان حجم این قبیل تعهدات مالی است. ظاهراً، ناظران بانکها ضمانت نامه های حسن انجام کار را پرخطرترین نوع تعهد مالی برای هر بانک می شمرند.

تعهدات وامی

از نظر بانکران بانکها، تعهدات پرداخت وام در درجه ی دوم خطر قرار دارند. از جمله ای این تعهدات می توان، به اعتبار گردان، اعتباریشتوانه ای برای اوراق تجاری، ونیف^۲ اشاره کرد. درجه ی ایمنی این نوع معاملات به قرارداد حقوقی بین بانک و طرف وام گیرنده و میزان پوششی بستگی دارد که بانک توانسته است برای خود فراهم سازد. اگرچه به احتمال زیاد مقدار قراردادها هرگز علنی نمی شود، با زرسان ناظر بر فعالیت بانکها می توانند موارد مختلف تعهدات وامی را از لحاظ درجه ی خطر طبقه بندی کنند. مهم ترین عامل ایجاد خطر افزایش ناگهانی و پیش بینی نشده ی تقاضا برای منابع تعهد شده به دلیل نوسانات شدید کوتاه مدت در بازار است.

نیف از این لحاظ بسیار نگران کننده دیده می شود زیرا به رغم کوچک بودن حجم آن در کل عملیات خارج از ترانزاکشنی بانکها،

۲- در این مورد بانک موافقت می کند که سند بدهکاری کوتاه مدت وام گیرنده را در صورتی که خریداری در بازار نباشد، خریداری نماید. - م.



رشد تعهدات بابت نیف عارضی بوده است، دربارهای از موارد، بی‌دقتی در درج قرارداد مربوط به نیف تعهداتی برای بانکها ایجا کرده که به سادگی اجتناب پذیر بوده است.

معاملات سلف و حق انتخاب

عملیات وابسته به بازار در مقایسه با تعهدات مربوط به تضمین و وام به مراتب کم‌خطرتر دیده می‌شود. در این میان، معاملات سلف با خطر مربوط به حق انتخاب تفاوتی قابل ملاحظه دارد. اگر بانکی حق انتخابی را خریداری نماید، برای استفاده از این حق مبلغی می‌پردازد تا بتواند در زمانی تعیین شده در آینده بین مقداری معین از کالا یا معادل پولی آن یکی را برگزیند. در صورتی این حق انتخاب سودآور است که بانک اطمینان داشته باشد که طرف معامله قراردادشکنی نخواهد کرد. اگر بانک فروشنده‌ی حق انتخاب باشد، چنین خطری وجود ندارد، زیرا بانک می‌تواند حق عمل خود را بلافاصله از همان ابتدا دریافت دارد. برای کاهش خطر بانکها در حد امکان از استان‌های موجود اطاعت می‌کنند و وثیقه‌گیری در مقابل حق انتخاب به تدریج بر طرفدارتر شده است.

معاملات ارزی

بزرگ‌ترین قلمی که در فهرست معاملات خارج از ترانزاکشن‌های بانکهای بزرگ درج می‌شود، تعهد خرید و فروش است. به عنوان مثال، در هر لحظه مراکز متوسط پولی رقمی حدود ۶ میلیارد دلار تعهد معامله‌ی ارزی دارند، و متوسط حجم معاملات ارزی روزانه‌ی جهان به ۱۵۰ میلیارد دلار می‌رسد. با وجود این، اگرچه تجربه ثابت شده که حوادثی مانند ملاقات گروه پنج نوسانات شدیدی در بازار به وجود آورده است، بیشتر بانکداران در مورد خطر این قبیل معاملات با خونسردی سرکنان می‌دهند و مدعی می‌شوند که با پایا به پا کردن تعهدات خرید و فروش



ارز، رقم خالص ناچیز ترازان است که بتواند نگران کننده باشد.

معاوضه

حجم معاوضه سرسام آوراست. مثلاً ۱۸۰ میلیارد دلار معاوضه‌ی نرخ بهره صورت گرفته که ۷۰ میلیارد دلار آن متعلق به هفت بانک بزرگ آمریکایی است. با وجود این کنترل درجه‌ی خطر معاوضه دشوار به نظر می‌رسد. یکی از مسوولین کمیکال بانک، معاوضه را اژدهای هفت سر می‌خواند. بزرگ‌ترین مشکل معاوضه زمانی پیش می‌آید که یکی از طرفین قادر به پرداخت بهره نیست. در این گونه موارد زیان بانک معادل مبلغی است که باید به جای طرف قرارداد شکن بپردازد.

در عمل حجم معاملات معاوضه‌ی ارز فقط در سطح ۹ میلیارد دلار محدود شده است و طرفین نیز اغلب از لحاظ اعتباری ترازا اول هستند. در صورت زیان نیز حجم ضرر به مراتب بیش از مورد معاوضه‌ی نرخ بهره است.

نظارت بر عملیات بانکها

در ماههای اخیر، بازرسان ناظر بر امور بانکها فرصتی به دست آورده اند که درباره‌ی فعالیت خارج از ترانزنا مه‌ی بانکها به تعمق بپردازند. برای این اساس باید نسبت سرمایه‌ای با تعدیل ارقام بر حسب ماهیت خطر همراه شود و ناظران آمریکایی ما یلند و زنهایی برای هر مورد تعیین کنند. در این صورت بانکهایی که خطر بیشتری را می‌پذیرند، باید سرمایه‌ی بیشتر هم داشته باشند. در خارج ایالات متحدت نیز مساله‌ی اقلام خارج از ترانزنا مه به همین میزان نگران کننده دیده می‌شود. بانک آوژاپن - بانک مرکزی ژاپن - از بانکها خواسته است که به صورت اختیاری میزان ضمانتنامه‌های خود را محدود کنند و امکان دارد ضوابط جدیدی برای میزان سرمایه در ارتباط با عملیاتی مانند نیف و معاوضه تعیین نماید.

بانک آوانگلند - بانک مرکزی انگلستان - کسه اولین



بانکی است که در راه منظور کردن خطرا قلام خارج از ترانزنا مه با
ثبت مقدار نیف در محاسبات کفایت سرمایه جدیدت کرد، امسال
میخواهد سایر فعالیتهای را نیز در بر آوردهای معیارهای سلامت
شیکه‌ی بانکی منظور نماید.

در هر حال با زرسان ناظر بر فعالیت بانکها تنها گروهی
نیستند که ما یلندا اطلاعاتی و رای فعالیتهای مندرج در ترانزنا مه
با نکها داشته باشند. خدمات سرمایه گذاری موودی (Moody's
Investors Service) ترانزنا مه بانکها را بر اساس انواع
اقلام انتظامی ارزیابی می نماید و جای تعجب نیست که رده بندی
بانکها به این ترتیب به شدت پایین افتاده است. در این میان،
هیات تعیین استانداردهای حسابداری مالی مطالعه‌ای را در
زمینه‌ی تعیین آن دسته از اقسام مالی انتظامی شرکتها که اعلام
آنها ضرورت دارد، آغاز کرده است.

به طبع، بررسی وضع بانکها به مقیاس حاضر نمی تواند به دقت
عواملی مانند کیفیت مدیریت و توان مدیریت در قضاوت در مورد
خطرو راههای مقابله با آن را در نظر بگیرد. با وجود این، ذکر این
نکته ضرورت دارد که درست مانند وام دهی عادی بانکی، کیفیت و
ظرفیت مدیریت عاملی حساس در تعیین ماهیت خطراست. در حالت
کلی چون بیشتر اقسام خارج از ترانزنا مه به شرکت در بازار سرمایه
نیاز مند است، بانکهای توفیق بیشتر دارند که در فعالیتهای
بازار سرمایه تخصص بیشتر از خود نشان دهند.

اگرچه بسیاری از بانکهای آمریکایی مقررات و ضوابط مربوط
به نسبتهای سرمایه‌ای را رد می کنند و مدعی می شوند که این نسبتها
اختیاری هستند، ضوابط وجود سرمایه در نظم بخشیدن به فعالیتها
بانکی تاثیر به سزا دارد. در حقیقت، تامین امنیت بیشتر
اصلا نمی تواند نگران کننده باشد. در مجموع، تمام هشدارها در
جهت نمایاندن اهمیت خطر همراه با اقسام خارج از ترانزنا مه
است و به قول یکی از دست اندرکاران بازار، با زرسان از این
نگرانند که مبادا آب از سر بانکها گذشته باشد.



ترکیب اقلام خارج از ترانزیت ماهی هفت با تک بزرگ آمریکا
 در ۳۰ ژوان ۱۹۸۵

(میلیارد دلار)

موضوعی	حق	معاملات	معاملات	ارزی	تعمیرات	ضمانتنامه	حقوق	اقلام خارج از ترانزیت	سرمایه
۱۹/۲	۱/۳۰	۲۸/۶	۱۶۳/۸	۲۹/۲	۲۱/۵	۲۹۶/۸	۱۲۵/۸	سیتی بانک	
۵/۶	۰/۱۰	۸/۹	۱۲۷/۲	۴۸/۱	۱۱/۸	۲۰۹/۶	۱۰۷/۱	بانک آو آمریکا	
۴/۵	۱/۳۰	۴/۹	۸۸/۲	۲۷/۱	۸/۱	۱۴۹/۰	۷۹/۵	چیس میبانتان	
۱۴/۸	۰/۰۰	۵/۳	۹۱/۳	۲۱/۳	۱۰/۲	۱۲۶/۹	۶۴/۳	مورگان گارانتی	
۱۰/۸	۰/۰۲	۷/۹	۴۶/۲	۲۲/۲	۱۱/۴	۱۰۱/۰	۶۱/۰	مفجورزها نورتر است	
۴/۴	۰/۲۳	۴/۹	۶۹/۳	۱۹/۹	۹/۴	۱۱۴/۹	۵۷/۳	کمیکال بانک	
۱۶/۷	۴/۷۰	۵/۰	۵۹/۱	۱۲/۵	۹/۸	۱۲۸/۵	۴۳/۴	نیکر ترانز است	